

## دستور زبان فارسی: مقدمه قاموس المعارف

بهر روز محمودی بختیاری

دوازدهم؛

۳. دستورهایی که در هندوستان دوران اکبرشاه به دست ایرانیان مهاجر تألیف شده مانند میزبان فارسی یا بعضی قانونان فارسی جمال الدین حسین بن سید نورالله مرعشی شوشتری، جامع القواعد محمدقلی خان متخلص به محب، رساله‌ای در دستور زبان فارسی در هفده باب و بدون نام از شخصی به نام شیخ عبدالباسط، رساله‌ای در دستور زبان فارسی، بدون نام، از شخصی به نام نظام الدین احمد، مجموع القوانین از شخصی به نام امیر اسدالله، منظومه قواعد فارسی سروده کامتا پرشاد، قواعد فارسی روشن علی انصاری جونپوری، رساله علم النحو، حروف تهجی، جامع القوانین و شجره‌الامانی همگی از مؤلفانی ناشناس، مخزن الفوائد یا خزانه‌الاصول محمد فائق بن غلام حسن، بدیع‌الصرف از کاووس خان، صفوة‌المصادر از محمد مصطفی خان بن محمد روشن خان، دستور پارسی آموز عبیدالله بن امین الدین احمد سهروردی، نهج الادب حکیم عبدالغنی خان رامپوری، و قند پارسی؛

۴. توضیحات موجود در مقدمه لغت‌نامه‌های فارسی، که حاوی اطلاعاتی درباره صرف و نحو فارسی است مانند مقدمه وسیله المقاصد الی احسن المراد، رساله مشکل گشته فرهنگ شعوری یا لسان‌العجم، فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع، فرهنگ رشیدی، فرهنگ نظام، هفت قلم و فرهنگ انجمن آرا؛

۵. دستورهایی که عمدتاً توسط مستشرقین اروپایی در اروپا منتشر شده‌اند، که فهرست جامع آنها را می‌توان در گزارش استاد ایرج افشار (۱۳۴۵) در مقاله «دستورهای سیصدساله برای زبان فارسی» دید؛

۶. دستورهایی که در اوایل قرن بیستم میلادی در ایران و کشورهای همجوار به وسیله ایرانیان و به زبان فارسی تألیف شده است. که فهرست و معرفی آنها به طور مبسوط در مقدمه لغت‌نامه دهخدا یافت می‌شود. از دستور پنج‌استاد به بعد

تألیف میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی، به اهتمام حمیده حجازی. تهران: ۱۳۸۸

نگارش کتب دستور زبان فارسی عمدتاً به دست غیرفارسی‌زبانان صورت گرفته است و در مقایسه با سنت دستورنویسی مغرب‌زمین، سنت کهنی به شمار نمی‌رود. شاید این نکته ریشه در طرز تلقی خاص گذشتگان از دستور زبان داشته باشد، که عمدتاً آموزش دستور زبان را برای کسانی لازم می‌دانستند که بخواهند آن زبان را به عنوان زبان دوم بیاموزند؛ لذا کمتر اتفاق می‌افتاد که فارسی‌زبانان در ایران دست به تألیف دستور زبان فارسی بزنند. این نکته در مورد تدوین فرهنگ‌های فارسی هم صادق است، به طوری که عمده فرهنگ‌های مهم زبان فارسی در خارج از ایران و یا توسط غیرفارسی‌زبانان تدوین شده‌اند. اگر کتاب دستور زبان فارسی، معروف به دستور زبان پنج استاد تألیف استادان عبدالعظیم قریب، ملک الشعرا بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی و رشیدیاسمی (۱۳۲۸ هجری شمسی) را نقطه آغاز دستورنویسی در ایران بدانیم، می‌توانیم دستورهای اولیه پیش از آن را به شش دسته تقسیم کنیم:

۱. کتاب‌هایی که مستقیماً برای دستور زبان نوشته نشده‌اند، ولی حاوی نکات دستوری‌اند مانند المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس الدین محمد بن قیس رازی در قرن هفتم، یا لسان‌القلم در شرح الفاظ عجم عبدالقهار بن اسحق در قرن نهم؛

۲. دستورهایی که در دوره عثمانیان در آسیای صغیر نوشته شده‌اند که نویسندگان برخی از آنها را نمی‌شناسیم (مانند تاج العروس و غرة النفوس از احمد بن اسحق قیصری، رساله مشکل گشا و اقنوم عجم در قرن نهم، وسیله المقاصد الی احسن المراد، تحفة شاهی، کتاب نحو فارسی، المثلة الفارسیه و التحفة الیهادیه و قواعد الفرس (اساس الفرس) در قرن دهم، و شرح مفاتیح الدریه فی قواعد الفرسی در قرن



۴. توضیح در باب «کلام و جمله»؛  
 ۵. و نهایتاً برخی نکات مربوط به نگارش و انشا.  
 خاتمه کتاب نیز به روش کار نویسنده در تدوین قاموس المعارف مربوط است و اطلاعاتی را در مورد نحوه یافتن کلمات در متن قاموس به دست می‌دهد.

آنچه از مطالعه کتاب در نخستین نظر جلب توجه می‌کند، اهتمام نویسنده آن بر مفهوم دسته‌بندی و سامان‌دهی انواع عناصر دستوری در زبان فارسی است. نویسنده با دقتی وسواس‌گونه در متن کتاب به ۵۵ گونه از «ادوات»، ۱۵ گونه از «اسماء»، ۱۰ گونه از «الفاظ»، ۲۰ گونه از «جملات»، ۱۷ گونه از «صفات» و موارد پرشمار دیگری پرداخته است، و به سبک و سیاق اسلاف خود برای هر مورد نمونه‌ای از نظم فارسی را هم به عنوان شاهد ذکر کرده است. ورود به حوزه اصطلاحات تخصصی دستوری این کتاب (که به نظر می‌رسد پیشنهادات نویسنده باشند) فرصت و مجال دیگری می‌طلبد، و در یک یادداشت کوتاه معرفی، قابل بحث نیست.

در انتهای نسخه تصحیح‌شده موجود، افزوده‌های مفیدی وجود دارد که کار خواننده را در مطالعه اثر تسهیل می‌کند: فهرست نام‌ها، اقوام و گروه‌ها، کتاب‌ها، شهرها و کشورها، ابیات به کاررفته در متن، مصرع‌ها و جملات نغز، و نهایتاً اصطلاحات دستوری موجود در کتاب. پایان‌بخش کتاب، واژه‌نامه‌ای از لغات نامأنوس متن است، که به ترتیب حروف الفبا و با ذکر شماره صفحه حضور واژه‌ها تنظیم شده است.

کوشش خانم حمیده حجازی در تصحیح شایسته این دستور مفید، به همراه سپاس از ناشر این اثر، بر دوستداران دستور زبان فارسی فرض است. امید است که متن کامل قاموس المعارف نیز روزی انتشار یابد و نقطه تاریکی از تاریخ دایرةالمعارف‌نویسی معاصر روشن گردد. ■

نیز با دستور زبان‌هایی مواجهیم که در چهارچوب نظریات زبان‌شناسی نوشته شده‌اند و به اعتبار ذات «توصیفی» خود با دستورهای «تجویزی» و سنتی بالا تفاوت بنیادی دارند و به همین جهت موضوع بحث این یادداشت کوتاه نیستند.

اما کتاب دستور زبان فارسی که تألیف میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی است و به اهتمام خانم حمیده حجازی منتشر شده است را می‌توان در گروه چهارم متون فوق‌الذکر قرار داد، چرا که در مقدمه متن کتابی به نام قاموس المعارف آمده است.

بنا بر مقدمه‌هایی که آقایان آیه‌الله جعفر سبحانی و دکتر مهدی محقق در ابتدای کتاب نگاشته‌اند، قاموس المعارف دایرةالمعارفی است متعلق به ۱۳۴۵ قمری در شش جلد و ۴۰۰۷ صفحه، که متن کامل آن تاکنون منتشر نشده است. نویسنده این اثر، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی (۱۲۹۶-۱۳۷۳ ق)، علاوه بر این کتاب، اثر دیگری به نام ریحانة‌الادب دارد، که در شرح حال علما و فضلا و فلاسفه است.

اما خود قاموس المعارف مجموعه‌ای مشتمل بر ۴۵۰۰۰ واژه متداول در فارسی و عربی و برخی زبان‌های اروپایی رایج در فارسی است، که نویسنده‌اش آن را در طی مدت هفده سال تدوین کرده است. در مقدمه این اثر، رساله مستقلی در ۱۸۴ صفحه قطع وزیری به دستور زبان فارسی اختصاص یافته، که متن تصحیح‌شده آن، موضوع کتاب مورد بحث ماست.

این کتاب ۵ «آیین» یا فصل و یک خاتمه دارد:

۱. حرکات و حروف (که اطلاعات آواشناختی فارسی را ارائه می‌دهد)؛

۲. تاریخ مختصری از زبان فارسی و آمیزش آن با دیگر زبان‌ها؛

۳. توضیح «کلمه»، مربوط به وصف اسم و فعل و حرف؛

